

حقوق کارگران در ایران

بنیاد رسانه‌ای زمانه

گزارش سالانه

اردیبهشت ۱۳۹۸ - اردیبهشت ۱۳۹۹

کاری از



فهرست

۲	اعتراضات و مسائل عمده کارگری ایران در یک سال گذشته
۳	سالی که گذشت، سال بدی بود
۶	اعتراضات کارگری: یک آبان بی سابقه
۱۰	سرکوب فعالیت‌های سندیکایی
۱۴	زنان و حقوق کار: بیکاری، تبعیض، زندان
۱۶	کارگر افغانستان: تبعیض و استثمار مضاعف
۱۸	کولبران در گردنه‌های مرگ
۲۰	کودکان کار: زباله، کرونا و گلوله
۲۲	حوادث کار همچنان قربانی می‌گیرد

اعتراضات و مسائل عمده کارگری ایران در یک سال گذشته

"زمانه" هر دو ماه یک بار یک خبرنامه کارگری به زبان‌های فارسی و انگلیسی منتشر می‌کند. تمرکز خبرنامه کارگری بر روی این نکات عمده است: امنیت و سلامت در محل کار، تبعیض در محل، قانون کار، زنان، کودکان کار، مسائل مربوط به قراردادهای بیکاری، تعویق و یا نپرداختن دستمزدها، و نیز موضوع تشکلهای کارگری.

سال گذشته تصمیم گرفتیم برای اینکه به نمایی از وضعیت کارگران ایران در یک بازه زمانی طولانی‌تر برسیم، فشرده‌ای از رخدادها را در قالب یک سالنامه ارائه دهیم. امسال هم این برنامه را پی می‌گیریم. به این ترتیب این دومین گزارش سالانه زمانه است که به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، به فارسی و انگلیسی منتشر می‌شود. این گزارش حدوداً خبرهای میان اردیبهشت ۱۳۹۸ / مه ۲۰۱۹ تا اوایل اردیبهشت ۱۳۹۹ / مه ۲۰۲۰ را دربرمی‌گیرد.

برای کسب اطلاع درباره جزئیات خبرها به خبرنامه‌های زمانه در این صفحه رجوع کنید:

<https://www.tribunezamaneh.com/labor>

سالی که گذشت، سال بدی بود

سال ۹۸ برای ایرانیان با سیل آغاز شد و با شیوع ویروس جدید کرونا به پایان رسید. و همچنین سال‌های اخیر، بحران اقتصادی، توقف تولید، بیکاری و افزایش هزینه‌های زندگی ترجیح‌بند خبرهای روز بود.

فاجعه طبیعی یا بحران اقتصادی-سیاسی یا تنش ژئوپلیتیک، فرقی نمی‌کند، حاکمان ایران هزینه‌ها را از جیب کارگران و فرودستان پرداخت می‌کنند. فشار تحریم‌های اقتصادی بر کرده کارگران و دیگر گروه‌های اجتماعی محروم سنگینی می‌کند. فقر و بیکاری رو به گسترش است و در این شرایط، کوچک‌ترین اعتراض کارگران سرکوب می‌شود.

بسیاری از کارگران ایران در شرایطی به استقبال سال ۹۸ رفتند که دستمزدهای معوق و مزایای پایان سال خود را دریافت نکرده بودند. همین ماجرا در شب آغاز سال ۹۹ تکرار شد.

ورود سامانه بارشی و جاری شدن سیل در هفته اول فروردین ۱۳۹۸، در ۲۵ استان ایران خسارت‌های جانی و مالی به وجود آورد و دست‌کم ۳۰ هزار کارگر را بیکار کرد. شهرک صنعتی آق‌قلا در استان گلستان زیر آب رفت؛ و کشاورزان در لرستان و خوزستان شغل خود را از دست دادند.

در سالی که رهبر ایران آن را سال «رونق تولید» نام نهاده بود، اولین خبرهای کارگری پس از تعطیلات سال نو به اخراج جمعی و عدم تمدید قرارداد کارگران پروژه‌های نفت، پتروشیمی و گاز اختصاص داشت. سال در شرایطی به پایان رسید که با نزول فروش نفت ایران به پایین‌ترین میزان خود در چهار دهه گذشته، بسیاری از پروژه‌های نفت و گاز تعطیل شده یا در آستانه تعطیلی قرار داشتند. صنعت قطعه‌سازی نیز به دلیل تحریم‌های آمریکا به کما رفته بود.

عدم پرداخت دستمزد، اخراج و بیکاری تکراری‌ترین خبر کارگری سال ۹۸ بود.

کوره‌پزخانه‌های یافت‌آباد، کارخانه فولاد نورد شهرستان ایوان و کارخانه کمباین سازی سهند تبریز تعطیل و بسیاری از واحدهای تولیدی دیگر در یک سال گذشته تعطیل شدند و کارگران شرکت ماهی کارون، کارمندان قراردادی دانشگاه بناب، کارگران کارخانه قند شوش و بسیاری دیگر از کارگران در بنگاه‌های بزرگ و کوچک اقتصادی شغل خود را از دست دادند. بحران مالی باعث بیکاری حدود شش هزار نفر از کارگران در بخش پخش دارو شد.

حالا تأخیر در پرداخت دستمزدها در بسیاری از شرکت‌ها و نهادها از ۱۰ ماه تجاوز کرده است.

با شیوع ویروس کرونا از نیمه بهمن ۹۸، موج تعطیلی‌ها و اخراج‌ها شدت یافت. دستفروشی ممنوع اعلام شد، مرزها بسته شد، کولبرها کار خود را از دست دادند و نظام بهداشت و درمان تضعیف شده در سایه خصوصی‌سازی به مرز فروپاشی رسید.

هزاران کارگر ساختمانی، کارگر بازار گل و گیاه، کارگر شرکت‌های خدمات مسافرتی و توریستی، کارگران رستوران و هتل و... به مرخصی اجباری فرستاده شدند. همزمان، گزارش‌های متعددی منتشر شد از تداوم کار کارگران در بخش‌های غیرضروری و در محیط‌های متراکم، بدون رعایت نکات ایمنی و بهداشتی.

درست در این وضعیت که به دلیل شیوع کرونا، سلامت نیروی کار و بازتولید اجتماعی آن در مخاطره و در نتیجه در اولویت ویژه قرار داشت، رهبر ایران سال ۹۹ را سال «جهش تولید» نام‌گذاری کرد.

در مقابل و نظر به شرایط به وجود آمده در پی شیوع کرونا، بیش از ۱۵۰ روشنفکر و فعال اجتماعی و سیاسی در بیانیه‌ای با تأکید بر مطالباتی همچون درآمد پایه عمومی، بیمه همگانی رایگان و مانند آن خواستار ایجاد تغییرات ساختاری به نفع رفاه و تأمین اجتماعی عمومی شدند. بیش از ۹۰۰ نفر دیگر این بیانیه را امضا کرده‌اند.

بنا به آمارهای رسمی، شمار مبتلایان به ویروس کرونا در ایران، به مرز صد هزار نفر رسیده و تا کنون نزدیک به ۶۰۰۰ نفر در اثر ابتلا به این ویروس، جان خود را از دست داده‌اند.

کرونا جان کارگران و مزدبگیران را مستقیم و غیرمستقیم نشانه رفته است. بنا به نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، در پی شیوع کرونا درآمد بیش از ۵۰ درصد افراد کاهش یافته، کرونا موجب تعطیلی حدود ۴۲ درصد کسب و کارها و بیکاری ۱۳,۵ درصد مزدبگیران شده است. (این نظرسنجی به صورت تلفنی، در سطح ملی و با حجم نمونه ۱۵۶۳ نفری در میان افراد بالای ۱۸ سال در تاریخ ۲۴ تا ۲۷ فروردین ۱۳۹۹ انجام شده است.)

در این شرایط، شورای عالی کار حداقل دستمزد سال ۹۹ را بدون جلب رضایت نمایندگان کارگری (که از تشکل‌های کارگری اسلامی و همسو با دولت هستند) و بدون در نظر گرفتن نرخ رسمی تورم و سبد معیشت خانوار (که دو معیار تعیین حداقل دستمزد مطابق ماده ۴۱ قانون کار هستند) یک میلیون و ۸۳۵ هزار تومان تعیین کرد. تشکل‌های مستقل کارگری پیش‌تر در بیانیه‌ای مشترک خواستار افزایش حداقل دستمزد به ۹ میلیون تومان شده بود.

حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۹ در حالی تنها ۲۱ درصد نسبت به سال ۹۸ افزایش یافته، که در این مدت دستمزد واقعی و قدرت خرید کارگران به نسبت بسیار بیشتری کاهش یافته است. حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۸ نسبت به سال ۹۷، ۳۶,۵ درصد افزایش یافته بود.

پژوهشگران با توجه به تشدید تحریم‌های اقتصادی، افزایش رکود و تعمیق رکود تورمی، شدت نارضایتی‌های اجتماعی و البته پیامدهای اقتصادی و اجتماعی ویروس کرونا، تورم حداقل ۴۰ درصدی را برای سال ۹۹ پیش‌بینی می‌کنند.

به گفته عبدالناصر همتی، رئیس بانک مرکزی ایران (در ۱۰ فروردین ماه ۱۳۹۹) نرخ تورم در سال ۹۸ به ۴۱,۲ درصد رسید، در حالی که در سال ۹۷، رقمی معادل ۳۱,۲ درصد بود.

بنا به مرکز آمار ایران در فروردین ۱۳۹۹، شاخص فلاکت (ترکیبی از نرخ بیکاری و تورم) در ایران از پاییز ۱۳۹۶ تا پاییز ۱۳۹۸ سیر صعودی طی کرد. بالاترین رقم شاخص فلاکت معادل ۵۳,۱ درصد در تابستان ۱۳۹۸ به ثبت رسید. پس از آن شاخص فلاکت اندکی کاهش پیدا کرد و در پاییز ۱۳۹۸ به ۵۰,۶ درصد رسید. این شاخص در بهار ۹۶ تا ۹۷ در رده ۲۰ درصدی بود.

همچنین، بنا به آمارهای رسمی مرکز آمار ایران، در پایان آذر ۱۳۹۸ حجم نقدینگی کل کشور ۲۲۶۲۳,۱ هزار میلیارد ریال بود که نسبت به پایان سال ۱۳۹۷ رشد ۲۰,۲ درصدی داشت. اقتصاددان‌های مستقل نرخ رشد نقدینگی را بین ۲۲ تا ۲۸ درصد برآورد می‌کنند. گزارش‌های بانک مرکزی در اسفند ۱۳۹۸ در مورد نقدینگی نیز این سیر صعودی را نشان می‌دهند. همراه با بحران کرونا، افزایش نقدینگی، کاهش درآمدهای نفتی دولت و کم شدن ذخایر ارزی ایران که صرف مدیریت بحران کرونا شده، به کسری بودجه بیشتر خواهد انجامید.

سال ۹۸ در عین حال، سال حرکت‌های اعتراضی فرودستان، سرکوب این اعتراضات و احکام سنگین علیه فعالان کارگری نیز بود.

خشم و بغض انبوه بیکاران، کارگران و حاشیه‌نشینان شهری به ویژه در آبان ماه و پس از افزایش ناگهانی و یک‌شبه قیمت بنزین فوران کرد و ایران را درنوردید، خشمی که البته در خون غوطه‌ور شد.



کشته‌شدگان آبان

اعتراضات کارگری: یک آبان بی سابقه

در یک سال گذشته و با تداوم بحران اقتصادی، اعتراضات و اعتصابات‌های کارگری در بخش‌های مختلف اقتصادی و در نقاط مختلف کشور ادامه یافت.

کارگران نکاچوب میاندورود، روغن نباتی جهان زنجان، کاشی کوثر ابرکوه، معدن چادرملو، کنتورسازی قزوین، قند فسا، نیروگاه سیکل ترکیبی آبادان، بیمارستان امام خمینی کرج، کاشی نیلوفر بیرجند، داروسازی باختر، بیوشیمی کرمانشاه، کاغذسازی پارس هفت‌تپه، روغن نباتی گلناز کرمان، دهکده تفریحی زاینده‌رود چادگان، شرکت حمل و نقل خلیج فارس بندرعباس، جنگلبانان استان مازندران و کشاورزان اصفهان و خوزستان به دلایل گوناگون دست به تجمع و اعتصاب زدند. مطالبات مزدی معوق همچنان اصلی‌ترین دلیل اعتراض کارگران در نقاط مختلف ایران است. عدم پرداخت حق بیمه، کاهش یا توقف ظرفیت تولید، اخراج کارگران، عدم امنیت شغلی، خصوصی‌سازی، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و دستگیری و سرکوب فعالان سندیکایی از دیگر دلایل اعتراضات کارگری است.

در سال ۹۸، همچون سال‌های گذشته، مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، هپکو و آذراب اراک از کانون‌های اصلی اعتراضات کارگری بودند. ریشه اصلی مشکلات کارگران در این سه شرکت یکسان و در یک کلمه خصوصی‌سازی است.



کارگران آذراب در اراک

در یک سال گذشته، کارگران شهرداری‌ها که با قراردادهای موقت و به واسطه شرکت‌های پیمانکاری با حداقل دستمزد به کار گرفته می‌شوند، بارها در نقاط مختلف کشور در اعتراض به دستمزدهای معوق تجمع و تحصن کردند. شهرداری‌ها شرکت‌های پیمانکاری تأمین نیروی انسانی را مسئول

تأخیر در پرداخت دستمزد کارگران معرفی می‌کنند و شرکت‌های پیمانکار هم مدیران شهرداری را، با این استدلال که شهرداری‌ها صورت وضعیت پیمانکاران را به موقع پرداخت نمی‌کنند.

کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن کشور در نقاط مختلف و کارگران قطار شهری در تهران و اهواز نیز به دلیل تأخیر در پرداخت دستمزدها و نداشتن امنیت شغلی به دفعات تجمع اعتراضی برپا کردند.

کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن خواستار خلع ید از شرکت‌های پیمانکاری و تبدیل قراردادهای موقت به قراردادهای رسمی‌اند.

در سالی که گذشت، معلمان شاغل و بازنشسته، مربیان پیش‌دبستانی و سوادیاران نهضت سوادآموزی در شهرهای مختلف بارها در مقابل ادارات دولتی تجمع کردند. قراردادهای موقت و عدم امنیت شغلی محور مشترک اعتراضات نیروی کار در بخش آموزش است.

در آبان ۹۸، ۱۶ هزار معلم پیمانی ورودی سال ۹۸ آموزش و پرورش، نامه‌ای اعتراضی به نمایندگان مجلس نوشته‌اند و خواستار رسیدگی به وضعیت معیشتی‌شان شده‌اند.

عدم افزایش دستمزد متناسب با افزایش هزینه‌های زندگی، عرضه سهام صندوق ذخیره فرهنگیان در بورس و کالایی‌سازی آموزش از جمله دلایل اعتراض معلمان است. معلمان در عین حال خواستار رفع تبعیض از ساختار نظام آموزشی، حق برخورداری همگان از آموزش رایگان مطابق با اصل ۳۰ قانون اساسی، لغو طرح «معلم تمام وقت»، افزایش سهم فرهنگیان و دانش‌آموزان در بودجه سالانه، بیمه تکمیلی کارآمد، آزادی معلمان دربند، و برخورداری از حق تشکیل‌یابی و اعتصاب هستند.



معلمان مریوان در تحصن

در آذر ماه ۹۸، طرح رتبه‌بندی معلمان پس از سال‌ها انتظار آنها در هیئت دولت به تصویب نهایی رسید. اما با صدور و ابلاغ بخش‌نامه افزایش ۵۰ درصدی حقوق کارکنان دولت - بر اساس فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری - به آموزش و پرورش در ۳۰ بهمن ماه ۹۸، عملاً معلمان از مزایای طرح رتبه‌بندی محروم شدند.

همچون معلمان، پرستاران و کارگران بخش بهداشت و درمان در چند نوبت و در چند نقطه کشور در اعتراض به وضعیت شغلی و مزدی‌شان تجمع و تحصن کردند - همان نیروی کاری که پس از شیوع ویروس کرونا از نیمه بهمن/اوایل فوریه بدون کم‌ترین امکانات در صف اول مبارزه با بیماری کووید-۱۹ قرار گرفت.

۸ آذر ۹۸، کارگران و کارکنان خدمات بیمارستان الزهراء اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان در محل کار تحصن کردند. ۱۲ دی ۹۸، پرستاران مشهد در اعتراض به تعویق مطالبات مزدی‌شان مقابل ساختمان استانداری خراسان رضوی تجمع کردند. چند روز پیش‌تر، «خانه پرستار» (یک تشکل صنفی پرستاران) در نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران، اعلام کرده بود که پرستاران در اعتراض به وضعیت شغلی و معیشتی‌شان در جشن‌ها و مراسم‌های نمایشی شرکت نخواهند کرد. وزارت بهداشت و درمان خدمات به‌کارگیری پرستاری را به شرکت‌های خصوصی تأمین نیروی انسانی واگذار کرده و آنها پرستاران را با حداقل دستمزد استخدام موقت می‌کنند. مطالبات معوق پرستاران در برخی بیمارستان‌های دولتی به ۱۴ ماه رسیده است. پرستاران همچنین مخالف اجرای طرح اصلاح نظام پرداخت «قاصدک» اند - طرحی مبتنی بر «پرداخت عملکردی» (به جای پرداخت در قالب اضافه کار و کارانه) که خود وزیر بهداشت ایران، سعید نمکی، هم موافق لغو آن است.



اعتراض و تحصن کارکنان پزشکی برای حقوق معوقه

بازنشستگان نیز در سال گذشته در چند نوبت دست به تجمع و تحصن زدند، از جمله ۲۸ خرداد، ۱۹ آبان و ۲ دی ماه ۹۸ مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی.

محورهای اصلی اعتراض بازنشستگان عدم اختصاص اعتبار کافی برای اجرای قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و طرح «اصلاحات پراسنج (پارامتریک) قانون تأمین اجتماعی» است.

دولت نه تنها اعتبار اجرای قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را تأمین نمی‌کند بلکه از پرداخت بدهی ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی به سازمان تأمین اجتماعی هم سر باز می‌زند. پیامد این وضعیت ناتوانی سازمان تأمین اجتماعی از پرداخت حقوق بازنشستگان است. بنا به آمارهای رسمی، ۷۰ درصد بازنشستگان و مستمری‌بگیران ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

بزرگ‌ترین حرکت اعتراضی فرودستان در سال ۹۸ اما در نیمه شب ۲۴ آبان کلید خورد.

شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، بدون اطلاع و اعلام قبلی، در نیمه‌شب ۲۴ آبان ۱۳۹۸ اعلام کرد سهمیه‌بندی بنزین دوباره از سر گرفته شده و از این پس قیمت هر لیتر بنزین سهمیه‌ای با ۵۰ درصد افزایش، ۱۵۰۰ تومان، و نرخ هر لیتر بنزین آزاد با ۳۰۰ درصد افزایش، ۳۰۰۰ تومان خواهد بود. این افزایش ناگهانی قیمت بنزین، با مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و با حمایت رهبر ایران و البته با دور زدن مجلس صورت پذیرفت.

دولت ایران در شرایطی یک‌شبه نرخ بنزین را افزایش داد که درآمدهای نفتی‌اش به شدت کاهش یافته و با کسری بودجه روبه‌رو بود.

با انتشار این خبر، مردم در شهرهای مشهد، تهران، اهواز، کرمانشاه، سنندج، جوانرود، مریوان، ارومیه، بوکان، سیرجان و شیراز به خیابان آمدند و در ادامه اعتراضات تا ۲۰۰ شهر کوچک و بزرگ گسترش یافت.

نیروهای انتظامی ایران با خشونت اعتراضات را سرکوب کردند. و به دستور شورای عالی امنیت ملی، اینترنت از ۲۵ آبان به شکل سراسری قطع شد و این قطعی تا سوم آذر ادامه داشت.

به نقل از ناظران و تحلیلگران و به اذعان مقام‌های ارشد حکومتی، بدنه اصلی معترضان را بیکاران و فرودستان اقتصادی و حاشیه‌نشینان شهری تشکیل می‌دادند. سید حسین نقوی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی ایران روز چهارم آذر به نقل از نماینده وزارت اطلاعات اعلام کرد که اغلب دستگیرشدگان بیکار و یا دارای مشاغل کم‌درآمد بودند - واقعیتی که موید تأثیرگذاری مستقیم افزایش نرخ بنزین بر وضعیت معیشت مزدبگیران و تهی‌دستان شهری است.

سرکوب فعالیت‌های سندیکایی

جمهوری اسلامی ایران فعالیت سندیکاهای مستقل کارگری را تحمل نمی‌کند، با نگاه پلیسی و امنیتی به مسائل صنفی کارگری، صراحتاً از به رسمیت شناختن حق اعتصاب و اعتراض سر باز می‌زند، و اعتراض‌های کارگران را با خشونت سرکوب می‌کند.

چرخه سرکوب فعالیت سندیکایی که از به رسمیت نشناختن سندیکاهای مستقل در قوانین کار ایران آغاز می‌شود، در عمل با

- حمله نیروهای انتظامی به تجمعات صنفی کارگری،
 - تهدید و ارباب فعالان کارگری و کارگران معترض و اخراج آنها از محیط کار،
 - دستگیری فعالان صنفی کارگری و تشکیل پرونده کیفری برای آنها با اتهاماتی همچون «اخلال در نظم عمومی»، «تبلیغ علیه نظام» و «اقدام علیه امنیت ملی»،
 - شکنجه جسمی و روانی حین دستگیری و بازداشت فعالان کارگری و حقوق کار و بعضاً پخش اعترافات اجباری آنها،
 - جلوگیری از گردش آزاد اخبار در مورد فعالیت‌های سندیکایی کارگران،
 - و تلاش برای ایجاد سندیکاهای موازی غیرواقعی و همسو با دولت
- تکمیل می‌شود. به این فهرست، حبس فعالان صنفی کارگری در مکان‌های نامناسب و عدم رسیدگی پزشکی به آنها را نیز باید افزود.

در سال ۹۸، جمهوری اسلامی در شرایطی به استقبال روز کارگر (اول ماه مه / ۱۱ اردیبهشت) رفت که پیش از آن در ۶ اردیبهشت مأموران امنیتی حداقل ۱۲ فعال کارگری از جمله علیرضا ثقفی، هاله صفرزاده، پروین محمدی و واله زمانی را در پارک جهان‌نما در کرج دستگیر و روانه زندان کرده بودند.

۱۱ اردیبهشت، مقارن با روز کارگر نیز نیروهای امنیتی بیش از ۴۰ نفر را در جریان تجمع کارگران و مدافعان آنها مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی بازداشت کردند، از جمله ندا ناجی، عاطفه رنگریز، حسن سعیدی، فرهاد شیخی، نسرین جوادی، ناهید خداجو، مرضیه امیری، آنیسا اسداللهی و کیوان صمیمی. برخی از دستگیرشدگان تا مدت‌ها در حبس باقی ماندند، از جمله ندا ناجی که نزدیک به ۳۰۰ روز در بازداشت موقت به سر برد.

۱۵ تیر ۹۸، همسر ندا ناجی فاش کرد که مأموران زندان ندا ناجی و عاطفه رنگریز را مورد «ضرب و شتم» قرار داده‌اند.

یک روز پس از روز کارگر، نیروهای انتظامی به تجمع اعتراضی معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته مقابل ساختمان آموزش و پرورش در شهرهای مختلف حمله کردند و چند معلم از جمله رسول بداقی و محمدتقی فلاحی دو عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان را دستگیر کردند.

در مهر ۹۸ و با آغاز سال تحصیلی، درهای مدارس در حالی دوباره گشوده شد که محمد حبیبی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی، عبدالرضا قنبری و دهها معلم و مدافع حقوق معلمان در حبس به سر می‌بردند.

به نقل از کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، مسئولان امنیتی و قضایی، تنها در نیمه اول سال ۱۳۹۸ بیشتر از ۶۰ معلم را احضار، بازداشت، بازجویی، محاکمه و زندانی کرده‌اند.

دوم اردیبهشت ۹۹، اداره آموزش و پرورش، در شرایطی که محمد حبیبی معلم و فعال صنفی فرهنگیان همچنان در زندان بود، حکم بازخرید و اخراج او را صادر و به او ابلاغ کرد.



محمد حبیبی معلم و فعال صنفی

در طول سال ۹۸، به دفعات خبر حمله نیروهای انتظامی به تجمع‌های اعتراضی کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، هیکو و آذراب اراک، و تهدید و بازداشت گروهی کارگران این شرکت‌ها منتشر شد.

۲۷ خرداد ۹۸، کارگران نیشکر هفت‌تپه اسامی حدود ۱۰۰ نفر از کارگران و مدافعان کارگران این شرکت را منتشر کردند که در طول یک سال گذشته از این تاریخ تحت پیگرد قرار گرفته بودند.

در تیرماه ۹۸، ایوب سلیمانی جانشین فرمانده نیروی انتظامی ایران خبر از تشکیل «پلیس امنیت اقتصادی» با مأموریت ایجاد «امنیت فضای کسب و کار» داد، مأموریتی که بسیاری آن را «سرکوب اعتراضات کارگری» تعبیر کردند. سلیمانی هدف از تشکیل پلیس امنیت اقتصادی را برخورد با کسانی دانست که «خواسته یا ناخواسته به عنوان پیاده نظام دشمن قصد دارند اقتصاد کشور را دچار اختلال کنند.»

سال ۹۸ همچنین سال صدور احکام سنگین برای فعالان کارگری، مدافعان حقوق کار و روزنامه‌نگاران حوزه کارگری بود.

تاریخ صدور حکم در دادگاه بدوی	نام زندانی کارگری	مربوط به پرونده	حکم صادره دادگاه بدوی	تاریخ صدور حکم در دادگاه تجدید نظر	حکم دادگاه تجدید نظر	حکم قابل اجرا	دادگاه بدوی - قاضی	دادگاه تجدید نظر - قاضی
۱۶ شهریور	اسماعیل بخشی	هفت تپه	۱۴ سال حبس تعزیری	۲۳ آذر	پنج سال حبس تعزیری و شلاق	پنج سال و شلاق	شعبه ۲۸ دادگاه - انقلاب - محمدرضا مقیسه	شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - احمد زرگر
۱۶ شهریور	محمد خنیفر	هفت تپه	۶ سال حبس تعزیری	۲۳ آذر	پنج سال حبس تعزیری و شلاق	پنج سال و شلاق	شعبه ۲۸ دادگاه - انقلاب - محمدرضا مقیسه	شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - احمد زرگر
۲۱ آذر	علی نجاتی	هفت تپه	۵ سال حبس تعزیری					
۱۶ شهریور	سپیده قلیان	هفت تپه	۱۸ سال حبس تعزیری	۲۳ آذر	۵ سال حبس تعزیری	پنج سال	شعبه ۲۸ دادگاه - انقلاب - محمدرضا مقیسه	شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - احمد زرگر
۱۶ شهریور	امیرحسین محمدی‌فرد	نشریه گام	۱۸ سال حبس تعزیری	۲۳ آذر	۵ سال حبس تعزیری	پنج سال	شعبه ۲۸ دادگاه - انقلاب - محمدرضا مقیسه	شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - احمد زرگر
۱۶ شهریور	ساناز الهیاری	نشریه گام	۱۸ سال حبس تعزیری	۲۳ آذر	۵ سال حبس تعزیری	پنج سال	شعبه ۲۸ دادگاه - انقلاب - محمدرضا مقیسه	شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - احمد زرگر
۱۶ شهریور	عسل محمدی	نشریه گام	۱۸ سال حبس تعزیری	۲۳ آذر	۵ سال حبس تعزیری	پنج سال	شعبه ۲۸ دادگاه - انقلاب - محمدرضا مقیسه	شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - احمد زرگر
۱۶ شهریور	امیر امیرقلی	نشریه گام	۱۸ سال حبس تعزیری	۲۳ آذر	۵ سال حبس تعزیری	پنج سال	شعبه ۲۸ دادگاه - انقلاب - محمدرضا مقیسه	شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - احمد زرگر

۵۲ شهریور	مرضیه امیری	تظاهرات روز کارگر	۱۱ سال و شش ماه حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق	۲۳ آذر	۵ سال حبس تعزیری	پنج سال	شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب - محمدرضا مقیسه	شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - احمد زرگر
۵۲ شهریور	عاطفه رنگریز	تظاهرات روز کارگر	۱۰ سال و شش ماه حبس تعزیری و ۱۴۸ ضربه شلاق	۲۳ آذر	۵ سال حبس تعزیری	پنج سال	شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب - محمدرضا مقیسه	شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - احمد زرگر
۱۳ آذر	ندا ناجی	تظاهرات روز کارگر	پنج سال و شش ماه حبس تعزیری	۲۹ بهمن	دو سال و شش ماه حبس تعزیری	دو سال و شش ماه	شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب - محمدرضا مقیسه	شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - احمد زرگر
۲ شهریور	حسن سعیدی - عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران	تظاهرات روز کارگر و در رابطه با کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران	پنج سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت وسایل مخابراتی هوشمند و عضویت در گروه‌های سیاسی و اجتماعی	۸ دی	پنج سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت وسایل مخابراتی هوشمند و عضویت در گروه‌های سیاسی و اجتماعی	پنج سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت وسایل مخابراتی هوشمند و عضویت در گروه‌های سیاسی و اجتماعی	شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب - ایمان افشاری	شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران - احمد زرگر
۷ آذر	مریم (آنیشا) اسداللهی	تظاهرات روز کارگر و در رابطه با کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران	یک سال زندان، رونویسی از کتاب‌های تعیین شده، یک ماه ارائه خدمات اجتماعی به «جانباها»	برای تجدید نظر اقدام نکرد	برای تجدید نظر اقدام نکرد	شش ماه زندان، سه ماه از این شش ماه قابل تبدیل به ارائه خدمات اجتماعی به «جانباها» است	شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب - ایمان افشاری	برای تجدید نظر اقدام نکرد

جدول فوق تنها بخشی از احکام صادر شده علیه فعالان کارگری و مدافعان کارگران در سال گذشته را شامل می‌شود. این فهرست بسیار طولانی‌تر است.

در یک نمونه شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری در شهرستان بروجرد ده‌ها کشاورز بلداجی را به اتهام «اخلال در نظم و آسایش عمومی» و «تمرد نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه» و... مجموعاً به ۳۴۴ ماه حبس تعزیری و ۲۵۸۰ ضربه شلاق محکوم کرد. بر اساس این حکم که ۹ مرداد ۱۳۹۸ صادر

شد، ۸۶ نفر از ۱۰۳ متهم این پرونده، هر یک به چهار ماه حبس تعزیری و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند. کشاورزان ساکن روستای بلداجی ۲۹ تیر ۱۳۹۵ به طرح انتقال آب چغاخور به سفیددشت بروجن اعتراض کردند. این اعتراض با دخالت نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد. یک تن کشته، ۱۰۸ تن مجروح و بیش از ۷۰ تن دستگیر شدند.

شدیدترین و خشن‌ترین سرکوب تاریخ جمهوری اسلامی، پس از خشونت‌های دهه شصت اما در آبان ۹۸ اتفاق افتاد.

در جریان اعتراضات آبان‌ماه، بنا به گزارش سازمان عفو بین‌الملل، دست‌کم ۳۰۴ نفر از معترضان از جمله ۲۳ کودک به دست نیروهای نظامی و انتظامی ایران کشته شدند. خبرگزاری رویترز اما به نقل از منابعش در وزارت کشور تعداد کشته‌شدگان را حدود ۱۵۰۰ تن در ۱۹۰ شهر اعلام کرد. حدود ۷۰۰۰ تا ۸۶۰۰ نفر نیز در ۲۲ استان ایران بازداشت شدند. و بسیاری از آنها در سکوت خبری محاکمه شدند. کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد با انتشار بیانیه‌ای در اول آذر ۹۸، از کشتار معترضان در ایران اظهار «نگرانی عمیق» کرد.

زنان و حقوق کار: بیکاری، تبعیض، زندان

بنا بر گزارش سالانه مجمع جهانی اقتصاد، در سال ۲۰۱۹ ایران در رتبه‌بندی شکاف جنسیتی بعد از کشورهای مثل عربستان، توگو و بحرین، با شش پله سقوط نسبت به سال قبل در جایگاه ۱۴۸ قرار گرفت.

براساس آمارهای رسمی، نرخ اشتغال زنان نزدیک به یک پنجم مردان و نرخ بیکاری در جمعیت زنان فعال تقریباً دو برابر مردان است. این رقم برای زنان تحصیل‌کرده در مقایسه با مردان تحصیل‌کرده افزایش می‌یابد. و در این میان، نرخ بیکاری زنان در مناطق شهری بیش از دو برابر نرخ بیکاری زنان در نقاط روستایی است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در زمستان ۹۸، نرخ مشارکت زنان ۱۵ ساله و بیشتر ۱۵,۳ درصد است، در حالی که این رقم برای مردان ۶۹,۴ درصد است. بر مبنای همین گزارش، ۶۹,۱ درصد از کل زنان بیکار را فارغ‌التحصیلان آموزش عالی تشکیل می‌دهند. این آمار بر اساس اطلاعات مربوط به وضعیت فعالیت افراد در ۱۲ تا ۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۸ (و پیش از شیوع کووید-۱۹) محاسبه شده است. بنا به تحقیقات مستقل دانشگاهی، در پاییز ۹۸ نسبت به پاییز ۹۷، حدود ۴۷۲ هزار نفر به جمعیت شاغلان مرد اضافه شده است در حالی که در همین فاصله حدود ۵ هزار نفر از تعداد شاغلان زن کاسته شده است.

بررسی آمارهای رسمی وضعیت اشتغال زنان در ایران نشان می‌دهد که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵، کاهش داشته است و از ۱۷ درصد به ۱۴٫۹ درصد رسیده است. در سال ۱۳۹۷، از ۳۳٫۳ میلیون زن در سن کار، تنها ۱۶٫۱ درصد به لحاظ اقتصادی فعال بودند.

برخلاف مقاوله‌نامه‌های ۱۰۰ و ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار که مورد پذیرش ایران قرار گرفته، زنان در جمهوری اسلامی ایران از حقوق مساوی کار با مردان محروم اند. در مقایسه با مردان، نه فقط امکان اشتغال و دسترسی به کار برای زنان بسیار کمتر است، بلکه در خصوص دستمزد، بیمه و مزایای شغلی نیز تبعیض جنسیتی وجود دارد.

هم‌زمان با تشدید رکود اقتصادی در سال ۹۸، امنیت شغلی کارگران زن به طور کلی بیش از کارگران مرد مورد تهدید و تعرض قرار گرفت، چرا که بسیاری از آنها در مشاغل غیررسمی و با قرارداد موقت اشتغال دارند.

بنا به آمار موسسه‌های مالی سازمان پژوهشی تأمین اجتماعی و به گفته سمیه گلپور، رئیس کمیته بانوان «کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری» (از تشکل‌های وابسته به دولت و خانه کارگر) ۸۰ درصد شاغلان بدون بیمه در سال ۱۳۹۶ زن بودند.

دستگاه‌های حکومتی و نهادهای مذهبی مشخصاً خواستار بازگشت زنان به خانه و اشتغال آنان در مشاغل خانگی هستند. طرح‌های جمهوری اسلامی برای حمایت از اشتغال زنان غالباً مختص به آن دسته از مشاغل و کارهایی است که در خانه انجام می‌شود. هم‌سو با این روند تبعیض‌آمیز، زنان پس از ازدواج و مادر شدن در عمل از بازار کار به طور زود هنگام خارج و مجبور به خانه‌نشینی می‌شوند.

زنان بعضاً با موانع ایدئولوژیک نیز برای اشتغال روبه‌رو هستند. در یک نمونه ویژه زنان ماهیگیر در جزیره هنگام، استان هرمزگان، سال گذشته اعلام کردند که مسئولان به بهانه اینکه «ماهیگیری شغل زنان نیست» به آنان مجوز صید نمی‌دهند.



آنیسا اسداللهی، مرضیه امیری، ندا ناجی، و عاطفه رنگریز، فعالان حقوق کار

در سال ۹۸ همچنین فهرست زندانیان زن حقوق کار طولانی‌تر از سال‌های گذشته بود.

مرضیه امیری، ندا ناجی، آنیسا اسداللهی، عسل محمدی، ساناز الهیاری و سپیده قلیان از جمله زندانیان زنی بودند که در رابطه با حقوق کارگران در سال گذشته مدت زمانی طولانی را در حبس گذراندند یا احکام طولانی‌مدت حبس برای آنها صادر شد.

در اعتراضات آبان ماه ۹۸، نقش زنان چشمگیر بود، به گونه‌ای که نظام ایدئولوژیک مردسالار حاکم را تا آنجا تحریک کرد که زنان را رهبر اعتراضات معرفی کند.

خبرگزاری فارس، نزدیک به نهادهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی، در تاریخ ۲۹ آبان نوشت: «میان‌داری و میدان‌داری ویژه زنان در اغتشاشات اخیر، چشمگیر به نظر می‌رسد. در نقاط متعدد به ویژه حومه تهران، زنان ظاهراً ۳۰ تا ۳۵ سال، نقش ویژه‌ای در لیدری اغتشاشات به عهده دارند.»

شامگاه ۲۹ آبان نیز بخش خبری ۲۰:۳۰ تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، با این ادعا که زنان، تحت تأثیر و حمایت «بیگانگان» رهبری اعتراضات را به دست داشتند، «اعترافات» زنی به نام فاطمه داوند را مبنی بر سازماندهی اعتراضات در شهرستان بوکان پخش کرد.

کارگر افغانستانی: تبعیض و استثمار مضاعف

بنا به گزارش سازمان جهانی مهاجرت (IOM)، در سال ۲۰۱۹، بیش از ۴۸۵۰۰ مهاجر افغانستانی ایران را ترک کرده یا از کشور اخراج شدند.

با شیوع کرونا در ایران از نیمه بهمن / اوایل فوریه، موج خروج شهروندان افغانستانی شدت یافت. به نقل از تونی بلنزر، معاون دفتر نمایندگی سازمان ملل در افغانستان، تنها در دو هفته از تاریخ ۸ تا ۲۱ مارس ۲۰۲۰، تعداد ۱۱۵۴۱۰ مهاجر از ایران به افغانستان بازگشتند.

همزمان در فروردین ۹۹، گزارش‌هایی در مورد عدم پذیرش و تبعیض در درمان بیماران افغانستانی مشکوک به کرونا در بیمارستان‌های ایران منتشر شد.

بنا به گفته ابراهیم حجازی، مسئول امور مهاجران در سفارت افغانستان در تهران (به تاریخ ۱۰ فروردین ۹۹) دست‌کم ۵۰ شهروند افغانستان در ایران بر اثر ابتلا به کرونا درگذشته‌اند.

در این شرایط و از آغاز سال ۹۹، جریمه استخدام کارگر خارجی ۲۴ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافت. کارفرمایانی که در سال ۹۹ از نیروی کار خارجی استفاده می‌کنند، بابت هر روز «اشتغال غیرمجاز» هر کارگر خارجی ۳۰۵ هزار و ۹۰۴ تومان معادل پنج برابر حداقل دستمزد روزانه جریمه می‌شوند.

بنا به آمارها و برآوردهای مختلف حدود ۱,۵ تا بیش از ۲,۵ میلیون مهاجر افغانستانی در ایران زندگی می‌کنند که دست‌کم یک میلیون نفر آنها بدون مدرک هستند. بخش عمده‌ای از این مهاجران را کارگران فصلی تشکیل می‌دهند که غالباً در مشاغل کم‌درآمد، غیررسمی و ناامن و بدون بیمه و در شرایط غیراستاندارد کار می‌کنند.

براساس ماده ۱۲۰ قانون کار ایران، اتباع بیگانه نمی‌توانند در ایران مشغول به کار شوند، مگر آنکه دارای روادید ورود با حق کار مشخص بوده و مطابق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط پروانه کار دریافت کرده باشند. هرگونه استخدام اتباع خارجی فاقد پروانه کار و یا به‌کارگیری آنان در کاری غیر از آنچه در پروانه کارشان ذکر شده، بنا به ماده ۱۸۱ قانون کار مجازات ۹۱ تا ۱۸۰ روز حبس را در پی دارد.

علاوه بر این، اشتغال کارگران مهاجر افغانستانی در ۱۶ استان غربی و مرکزی ایران ممنوع اعلام شده است. در استان‌هایی که استخدام آنها هنوز مجاز است، کارگران مهاجر افغانستانی صرفاً اجازه کار در مشاغل ساختمانی و کشاورزی، کوره‌پزی، سنگ‌بری، بازیافت زباله، حفر چاه، قبرکنی، تولید کود شیمیایی و مانند آن را دارند، و اشتغال آنها در سوپرمارکت‌ها، رستوران‌ها، میوه‌فروشی‌ها و مانند آن ممنوع است.

این مقررات، کارگران مهاجر را به پذیرش مشاغل سخت و محیط‌های کاری ناامن و فاقد استانداردهای بهداشتی و حفاظتی، با کم‌ترین دستمزد ممکن سوق می‌دهد. و این دلیل اصلی نرخ بالای حوادث کار در میان کارگران مهاجر افغانستانی است.

علاوه بر این، برخورد مأموران و مسئولان دولتی و اغلب کارفرمایان با کارگران مهاجر، و مشخصاً کارگران مهاجر افغانستانی، تحقیرآمیز و تبعیض‌آمیز است.

دولت ایران به طور نظام‌مند از صدور و تمدید مجوز اقامت مهاجران افغانستانی سر باز می‌زند. و آنها زیر فشار و تهدید دائم اخراج قرار دارند.

۱۹ اردیبهشت ۹۸، عباس عراقچی، معاون سیاسی وزارت امور خارجه ایران در یک گفت‌وگوی تلویزیونی تهدید کرد که اگر تحریم‌ها اثر کند و فروش نفت به صفر برسد، جمهوری اسلامی مهاجران افغانستانی را اخراج می‌کند.

پس از اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ نیز برخی از مقامات جمهوری اسلامی انگشت اتهام را به سمت مهاجران افغان نشانه رفتند.

۳۰ آذرماه، منصور حاجی مدیر کل اتباع و مهاجران خارجی استانداری تهران، مهاجران و «اتباع افغانستانی» را «محور اصلی» اعتراضات حاشیه تهران دانست، و ضمن هشدار در این مورد که «بسیاری از اتباع افغانستانی و یا دیگر اتباع خارجی از حالت کارگری خارج شده‌اند و در حال تبدیل به کارفرما هستند» از «اداره کار و دیگر نهادهای مرتبط» خواست که برای مقابله با این موضوع «جدی‌تر وارد میدان» شوند.

در همین راستا، ۴ دی، مهدی محمودی مدیرکل امور اتباع و مهاجرین وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران مهاجران خارجی را تهدید کرد که در صورت ورود غیرمجاز به خاک ایران، به «اردوگاه مهاجران» منتقل شده و بعد از چند روز به کشورشان» برگردانده می‌شوند.

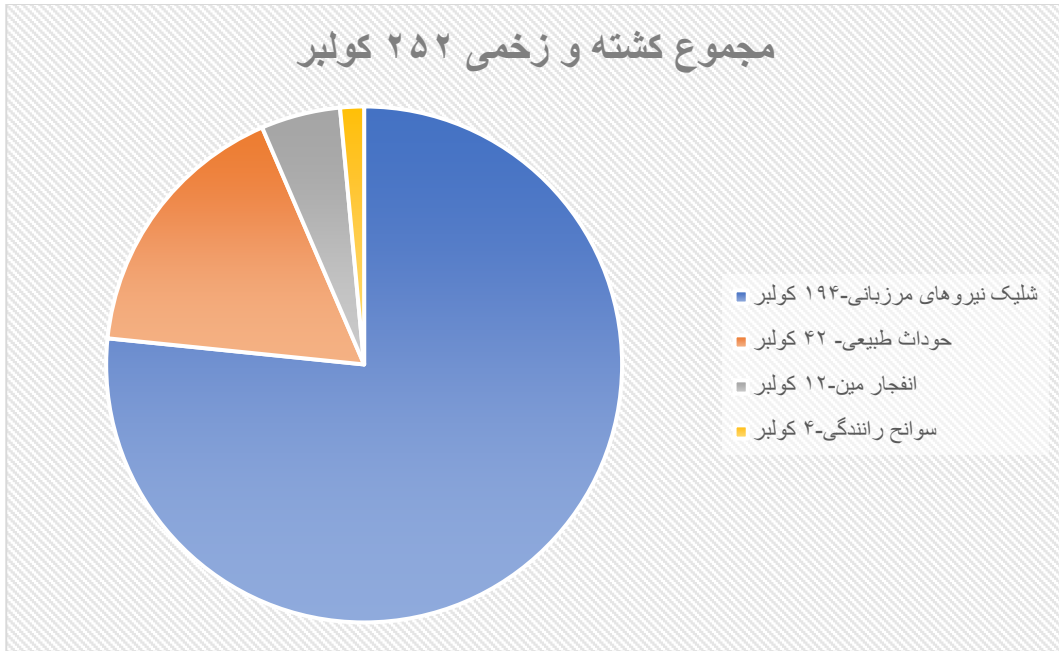
به نقل از ابراهیم حجازی، مسئول امور مهاجران در سفارت افغانستان در تهران در جریان اعتراضات آبان‌ماه دست‌کم ۹ نفر از شهروندان افغانستان کشته شده‌اند.

کولبران در گردنه‌های مرگ

در سال گذشته، صدها کولبر یا «باربر مرزی» در مناطق کردنشین غرب ایران - استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام - به دلیل سقوط از بلندی، سرمازدگی، انفجار مین و یا توسط شلیک مستقیم مأموران مرزبانی کشته یا زخمی شده‌اند.

با شیوع کرونا از نیمه بهمن/ اوایل فوریه، و بسته شدن مرزهای غربی ایران، کولبرها که پیش از این قربانی سرما و گلوله بوده‌اند از همین شغل پرخطر هم محروم و خانه‌نشین شده‌اند.

به گزارش سازمان حقوق بشری کرده‌نگاو، در سال ۲۰۱۹ (۱۱ دی‌ماه ۱۳۹۷ - ۹ دی‌ماه ۱۳۹۸) دست‌کم ۷۶ نفر از کولبران در مناطق مرزی کردستان جان خود را از دست داده و ۱۷۶ نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند که در مقایسه با سال ۲۰۱۸ تعداد کشته‌شدگان و زخمی‌ها افزایش آمار ۸,۳ درصدی را نشان می‌دهد.

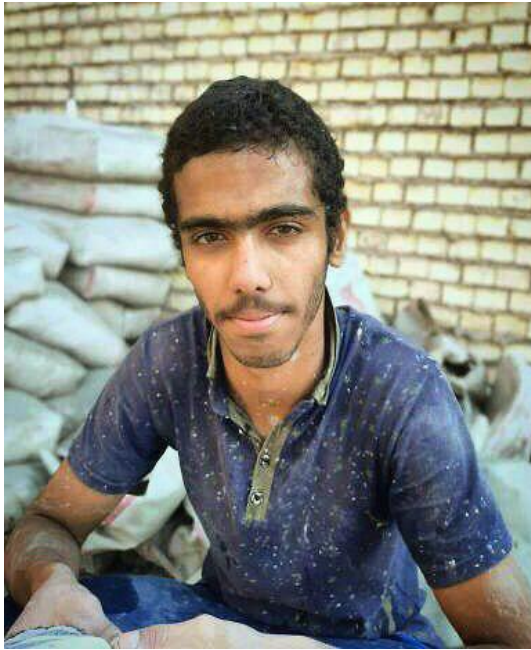


آمار سوانح و مرگ کولبران

بر اساس این گزارش، هفت نفر از جانباختگان کودک بوده‌اند، از آن جمله آزاد خسروی ۱۷ ساله و فرهاد خسروی ۱۴ ساله، دو کودک مریوانی که در روزهای پایانی آذر ۹۸ در اثر سرمازدگی در ارتفاعات «ته‌ته» در کوهستان‌های اورامانات جان خود را از دست دادند.



مرگ فرهاد خسروی کولبر ۱۴ ساله مریوانی



آمار دقیقی از تعداد کولبران در دست نیست. حسن علوی، نماینده مردم سنج در مجلس، در تیرماه ۹۸ شمار کولبران را تنها در استان کردستان بیش از ۱۰۰ هزار نفر تخمین زد.

مقامات جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته بارها از ارائه طرح‌هایی برای حل مشکل کولبران و یا کمک به آنان خبر داده‌اند، از آن جمله طرح ساماندهی و متمرکز کردن کولبران در بازارچه‌های رسمی مرزی که هیچ کدام در عمل محقق نشده‌اند.

محسن محمدپور که در اثر اصابت باتوم به جمجمه در اعتراضات کارگری کشته شد <<

پس از مرگ دلخراش آزاد و فرهاد خسروی، دو کولبر نوجوان مریوانی، برخی از نمایندگان مجلس خبر از ارائه طرحی مبنی بر ممنوعیت شلیک مستقیم مأموران مرزبانی به کولبران دادند که هنوز به نتیجه نرسیده است.

کارشناسان مستقل، کولبری در مناطق کردنشین ایران را به طور کلی نتیجه توسعه نیافتگی این مناطق و سیاست‌های تبعیض آمیز حکومت ایران در این نقاط می‌دانند. براساس آمار رسمی، نرخ بیکاری در این مناطق بالاتر از میانگین نرخ بیکاری در کشور است.

کودکان کار: زباله، کرونا و گلوله

مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار ایران، در خرداد ۱۳۹۸ از وجود ۴۹۹ هزار کودک کار ۱۰ تا ۱۷ ساله (از بین جمعیت ۹ میلیون کودک) بر مبنای داده‌های سال ۱۳۹۶ خبر داد. فعالان حقوق کودکان اما تعداد کودکان کار را ۳ تا ۷ میلیون نفر تخمین می‌زنند.

مرکز آمار و اطلاعات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایران تیر ۹۸ اعلام کرد که شمار کودکان کار طی دو سال گذشته ۲۱ درصد افزایش یافته است.

اقتصاد بحران زده ایران روز به روز کودکان بیشتری را به جای مدرسه به بازار کار می‌فرستد.

همزمان با آغاز سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ ایران، احمدرضا پرنده، مدیرکل آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شمار کودکان بازمانده از تحصیل شناسایی شده را ۱۴۱ هزار نفر اعلام کرد.

این در حالی است که به گفته علیم یارمحمدی، نماینده زاهدان در مجلس شورای اسلامی تنها در استان سیستان و بلوچستان، آمار کودکان بازمانده از تحصیل ۱۲۷ هزار نفر بوده است.

مقامات ایران طی ۳۵ سال گذشته از نزدیک به ۳۰ طرح گوناگون برای ساماندهی کودکان کار رونمایی کرده‌اند که تقریباً تمام آنان به شکست انجامیده است.

در تابستان سال ۱۳۹۸ نیز، گزارش‌هایی از اجرای طرح جمع‌آوری و ساماندهی کودکان کار در تهران و چند شهر دیگر منتشر شد. این طرح که مصوب سال ۱۳۸۴ هیئت وزیران است، راه‌حل اصلی نهادها و سازمان دولتی برای حل مشکل کودکان کار است و در سالهای گذشته مسئولان بارها خبر از اجرای مراحل مختلف آن داده‌اند.

فعالان حقوق کودک منتقد برخورد خشونت‌آمیز نیروهای پلیس و مأموران شهرداری به عنوان عاملان اجرایی این طرح و البته نهادها و مراکز خصوصی‌ای هستند که اجرای این طرح اخیراً به آنها سپرده شده است.

همزمان با اجرای این طرح، انجمن حمایت از حقوق کودکان اعلام کرد تنها در تهران حدود ۴۷۰۰ کودک زباله‌گرد وجود دارد. بسیاری از این کودکان در شرکت‌های پیمان‌کاری طرف قرارداد شهرداری‌ها مشغول به جمع‌آوری و تفکیک پسماندها و زباله‌ها هستند.

به‌کارگیری کودکان در مراکز بازیافت زباله، نقض آشکار کنوانسیون ممنوعیت بدترین انواع کار کودکان (شماره ۱۸۲) است که ایران در سال ۲۰۰۲ به آن پیوسته است. طبق این مقاله‌نامه که در ۱۶ ماده به همراه توصیه‌نامه مکمل آن در سال ۱۳۸۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید، به‌کارگیری کودکان در ۳۶ شغل ممنوع اعلام شده است که از آن جمله می‌توان به کار در گنداب‌ها، و محل‌های جمع‌آوری، حمل و دفن زباله اشاره کرد.

هرچند، ماده ۷۹ قانون کار ایران، کار کودکان زیر ۱۵ سال را منع کرده است و بنا به ماده ۸۴ همین قانون، کارهای سخت و زیان‌آور برای کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع است.

بنا به پژوهش منتشرشده در خردادماه ۹۸ درباره مافیای زباله در ایران، از مجموع ۱۴ هزار نفری که در تهران از طریق جمع‌آوری زباله امرارمعاش می‌کنند، ۵۳ درصد زیر ۱۷ سال دارند. و بنا به همین گزارش، ۸۹ درصد این کودکان، مهاجر - اغلب افغانستانی - هستند.

شیوع ویروس کرونا، نگرانی فعالان حقوق کودک را در مورد این کودکان که اکثراً بدون دستکش و ماسک و در شرایط ناسالم و غیراستاندارد کار می‌کنند، برانگیخته است.

۲۳ اسفند، «انجمن یاری کودکان در معرض خطر» با صدور بیانیه‌ای نسبت به خطری که با شیوع ویروس کرونا سلامت کودکان کار به ویژه کودکان زباله‌گرد را تهدید می‌کند، هشدار داد و از دولت خواست در اسرع وقت بودجه‌ای را برای حمایت از کودکان زباله‌گرد و جلوگیری از کار آنها اختصاص دهد. اما نهادهای دولتی مسئولیت را بر دوش یکدیگر می‌اندازند و هنوز اقدام موثری در این خصوص صورت نپذیرفته است.

مقام‌های دولتی ایران غالباً با بیان اینکه درصد بالایی از این کودکان از مهاجران غیرایرانی اند، به نوعی از خود سلب مسئولیت می‌کنند.

کار، محرومیت از تحصیل، زباله‌گردی، خطر کرونا... و به این فهرست باید مرگ بر اثر گلوله را افزود. در جریان اعتراضات آبان‌ماه در ایران دست‌کم ۱۷ کودک به ضرب گلوله نیروهای نظامی جمهوری اسلامی کشته شدند. از میان آنان، محسن محمدپور کودک کار ساکن خرمشهر بود که همزمان با تحصیل به عنوان کارگر ساختمانی کار می‌کرد.

حوادث کار همچنان قربانی می‌گیرد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در سه ماهه نخست سال ۱۳۹۸، ۴۲۱ کارگر جان خود را از دست دادند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل رشد ۱۷,۹ درصدی را نشان می‌داد. بنا به گزارش سازمان پزشکی قانونی ایران، این رقم در شش ماه نخست سال به ۸۹۸ نفر رسید که حاکی از افزایش هفت و نیم درصدی حوادث کار منجر به مرگ در مقایسه با شش ماه اول سال ۹۷ بود. بنا به آمار رسمی، این رقم در ۹ ماه نخست سال ۹۸ به ۱۳۶۳ نفر رسید.

گزارش‌های سازمان پزشکی نشان می‌دهد که شمار سالانه حوادث کار در ایران از سال ۹۴ روندی صعودی داشته است.

آمارهای رسمی مربوط به حوادث کار در ایران صرفاً کارگران مشمول قانون کار و تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی را دربرمی‌گیرد. حال آن که بیشترین قربانیان حوادث کار، کارگران روزمزد و فاقد بیمه‌های اجتماعی اند.

مطابق با ماده ۱۴۸ قانون کار ایران، کارفرمایان موظف اند کارگران خود را بر اساس قانون تأمین اجتماعی، بیمه کنند. و برحسب ماده ۹۵ این قانون، مسئولیت اجرای قوانین و رعایت بهداشت و موازین فنی به طور کلی بر عهده کارفرماست. و کارفرما، بنا به ماده ۹۱ همین سند قانونی، ملزم به تهیه وسایل و امکانات لازم برای تأمین حفاظت و سلامت و بهداشت کارگران، آموزش کارگران و نظارت بر رعایت مقررات ایمنی و بهداشتی است.

نهادهای دولتی ایران دلیل اصلی حوادث کار را عدم رعایت ایمنی کار اعلام می‌کنند، اما به کوتاهی سازمان‌های متولی نظارت بر ایمنی کارگاه‌های ساختمانی اشاره نمی‌کنند. وظیفه نظارت بر اجرای صحیح قانون کار و رعایت ضوابط حفاظت فنی و ایمنی، بنا به ماده ۹۶ قانون کار به عهده اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی است.

علاوه بر کوتاهی کارفرمایان و بازرسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در نظارت بر رعایت مقررات ایمنی و بهداشتی در کارگاه‌ها، کارشناسان تداخل وظایف اجرایی دستگاه‌های دولتی در موضوع

ایمنی کارگران و فقدان یک سند جامع ملی در جهت ارتقا و تضمین ایمنی کارگران را از عوامل موثر در نرخ بالای حوادث ناشی از کار می‌دانند.

بالاترین نرخ حوادث کار به بخش ساختمان مربوط می‌شود و سقوط از بلندی مهم‌ترین عامل حادثه کار منجر به مرگ است. اصابت جسم سخت، برق‌گرفتگی، سوختگی و خفگی نیز از دیگر عوامل اصلی مگر ناشی از حادثه کار در ایران است. از نیمه بهمن / اوایل فوریه، عامل دیگری نیز به این فهرست اضافه شده است: ویروس کرونا.

علی‌رغم شیوع کرونا در ایران، کار در بخش‌های غیرضروری متوقف نشده است. کارگران در بخش‌های خدماتی و درمانی از امکانات بهداشتی و لوازم پیشگیری برخوردار نیستند. و حالا بسیاری از کارگران بر سر یک دوراهی قرار گرفته‌اند: کار در محیط غیراستاندارد و متراکم، غالباً بدون وسایل و امکانات محافظتی و بدون بیمه و یا بیکاری و گرسنگی.

ویدئویی از کارگران نی‌بر شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه منتشر شد که نشان می‌داد بدون امکانات حفاظتی مانند ماسک و دستکش به صورت جمعی مورد سمپاشی قرار گرفتند.

مقامات رسمی، آماری از میزان ابتلا و مرگ بر اثر کووید-۱۹ در محیط‌های کارگری ارائه نکرده‌اند؛ اما بنا به گزارش‌های منتشرشده تا ۲۵ اسفند دست‌کم هفت پرستار به دلیل ابتلا به کرونا در محل کار فوت کرده‌اند.

به صفحه ویژه حقوق کارگران در ایران سر بزنید:

<https://www.tribunezamaneh.com/labor> (فارسی)

<https://en.radiozamaneh.com/labor> (انگلیسی)